

سه گفتار

درباب تاریخ معنویت ایران^۱

از: آقای پروفیسور هانری کریبن
استاد فلسفه و شرق شناس فرانسوی

گفتار اول

مذاهب شیعه و اسمعیلیه

ترجمه آقای دکتر عیسی سپهبدی

استاد دانشکده ادبیات

امروزه در محافل مغرب زمین با تقوّه باصطلاح «شی ئیسم» اذهان و افکار متنه کر فورم و مشرب خاصی از اسلام میشود که مذهب رسمی ایران را از مذاهب دیگر ممالک اسلامی مشخص و ممتاز میکند زیرا قریب به پنج قرنست که مذهب شیعه مذهب رسمی ممالک محروسه ایران میباشد. فی الحقیقه منشأ آنرا باید در نسنه‌های اولیه اسلام جستجو کرد. معذک قابل انکار نیست که عوامل ذوق و شخصیت‌های ایرانی در امر تکوین و علم شدن آن نقش اساسی را بازی کرده اند. بعلاوه مذهب شیعه دارای فلسفه و حکمت الهی بسیار غنی میباشد که بهر دو زبان عربی و پارسی برشته تحریر درآمده و متأسفانه تا کنون خیلی کم مورد التفات اهل تحقیق بوده است. و اما از بابت «شی ئیسم» باید متذکر شد که اصطلاح مزبور بزبان فرانسوی برابر مذهب یا مکتب شیعه اختیار شده و از کلمه شیعه یعنی دسته پیروان فکر یا هدف واحد اقتباس گردیده و بتحقیق مترادف با کلمه «Secia» یعنی فرقه در زبان لاتین میباشد. بنابراین شیعه عبارت از فرقه یا پیروان مکتبی است که بشخصیت حضرت علی بن

۱- این سه گفتار بوسیله آقای پروفیسور هانری کریبن در برنامه سازمان فرهنگ فرانسه از ادبوی فرانسه ایراد شده است و اینک ترجمه آنها از نظر خوانندگان محترم می گذرد. آقای هانری کریبن دو سفر اخیر خود بتهران، همین ترجمه ها را در دوره دکتری فلسفه اساس بحث و مذاکره قرار داده اند.

ابی طالب داماد حضرت رسول و امام اول، از باب مقام فضل و روحانیت و اولویت و مولویت یکتا و بی‌مثال او با او گردیده‌اند و شخصیت بارز معنوی او را کعبه آمال و نقطه اولای قلوب خود قرار داده‌اند. بواسطه همین صدق و خلوص و ارادت خاص بشخصیت امام (مترادف بارعبر و راهنما و مرشد و مولا) است که شیعه خاص ایران بشیعه امامیه اشتها یافته و از سایر فرق شیعه ممتاز گردیده. معذک در سیاق و سیره مطالعات علمی مذاهب، شعبه مهم دیگری از این مذهب را که تحت عنوان مذهب اسماعیلیه معروف گردیده نمیتوان از مذهب شیعه جدا نمود.

تماثل کلی عصر ما چنین است که همواره می‌خواهند یک پدیده مذهبی و معنوی را با علل و عوامل غیر مذهبی توجیه نمایند. برخی علما و محققین زحمات زیادی بخود همواره کرده و سعی نموده‌اند پیدایش و قوام مذهب شیعه را با علل و مقتضیات سیاسی، اجتماعی، جغرافیائی و علمی نظیر آن تفسیر و توضیح نمایند. بدین ترتیب تنها یک نکته و امر مهم را فروگذار کرده‌اند و آن اینست که اگر مشرب یا مذهبی وجود دارد اولین و آخرین دلیل آن وجود پیروان آن مشرب یا مذهب است. پس اولین و آخرین وجه اثبات و توجیه مذهب شیعه وجود مردمان شیعی مذهب و آراء و افکار آنان می‌باشد. اگر کلیه دلایل و مقتضیات و عالیترین توجیهاات نظری را روی صفحه کاغذ بیاوریم ممکن نیست بتوانیم یک فرد شیعی مذهب یا مست آوریم مگر آنکه بتحقیق در عالم واقع شکل و حقیقت غیر قابل انکاری از وجدان مذهبی خاص بعنوان مذهب شیعه در بین مردمان کره زمین وجود داشته باشد.

اکنون برای ما سیر است که خصایص این نوع خاص از مشهور دینی و وجدان مذهبی را که شیعه نام دارد طی تاریخ حیات آن بطور وضوح یادداشت کنیم. محض اختصار و احتراز از اطباب کلام دو خصیصه عمده آنرا که بزعم اینجانب قالب اصیل و مشترک هر دو مذهب شیعه و اسماعیلیه را مشخص و ممتاز می‌کند در این مقاله ذکر میکنم:

اولین آن خصایص اینست که از بین کلیه آن صفاتی که انسان معمولاً و عادتاً بخداوند نسبت میدهد یعنی در مذاهب توحید و یگانه پرستی - فی الحقیقه هیچیک معرف ذات باری تعالی و دریافت حقیقت او نمی‌باشد. ذات باری توسط انسان قابل دریافت نیست

و با او رابطه‌ای نمی‌توان داشت مگر بدان وجه و صورتی که خود او اراده کند و به انسان بنماید و ظاهر سازد و آن صورت الزاماً و اضطراراً بر وفق اراده خاص او و شکل خاص اراده اوست. و آن صورت و هیئت صورت انسانی است در صفت کمال، و همین فرد اجلی و انسان کامل در مذهب شیعه به شخصیت «امام» اطلاق میشود.

امام مظهر وجود باری تعالی و تجلی ذات اوست. البته این مفهوم را نباید با مفهوم گوشتمند شدن خداوند که در حکمت الهی دین مسیح مذکور و مقبول است اشتباه نمود. اینجا موضوع «مظهریت» است و تجلی ذات، هر چند مفهوم «تجلی» و اعتقاد بدان مارا بنوعی از مسیحیت قدیم که امروز بکلی در حاشیه مسیحیت رسمی قرار گرفته یعنی مسیحیت عرفانی (La Gnose) نزدیک میکند.

خصیصه دوم اینکه متن قرآن کریم که وحی منزل و کتاب مقدس مذهب شیعه محسوب میشود، غیر از معنی اصطلاحی و ظاهری حاوی معنی است مستتر و باطنی و معنوی. دست یافتن بدین معنی باطنی مترادفست با زنده شدن روح بزندگان، جدید، بحیات جان ورستگاری و آزادی و آزادگی. حقیقت اینست که اولین وارث و اولین صاحب امانت معنوی پیغمبر اسلام، شخصیت امام اول و پس از او سلسله مستقیم فرزندان او میباشد. بعبارة اخری این ودیعه معنوی، ذات و شخصیت امام است نه شخصیت متفرد تاریخی او، بلکه سر ضمیر او که مفتخر بالتباین بعثت و مأسوریتی جهانی گردیده است. بدینجهت معرفت تام بشخصیت و ذات امام بمنزله معرفت آزادی بخش و نجات دهنده روح میباشد. دو خصیصه فوق برای تشخیص و تمیز ماهیت مذهب و معتقدات اقلیت شیعه از مذهب اکثریت یعنی سنت و جماعت در اسلام و همچنین برای دریافت قرابت و خویشاوندی آن با شکل خاص مذهبی که جای دیگر بعنوان مذهب «عرفان» ذکر کردیم کافی و شافی بنظر میرسد (مشرک عرفان در بطن مسیحیت پیدا شده ولی مقدم بر آن بوده همچنانکه امروز میدانیم مقدم بر مذهب اسلام نیز بوده است)

قوت تمرکز و توجهی که در ضمائر و بواطن مؤمنین با اخلاص بتفکر فلسفی عمیق در باب شخصیت معنوی امام قوام بخشیده و آن شخصیت را بمقام «صورت نوعیه» یا مظهریت حق و تجلی ذات ارتقاء داده است، بما اجازه میدهد وحدت فکری که در خلال افتراق در مذهب شیعه ادامه و استدامه یافته در یابیم. در نزد شیعه امام

مظهریت مزبور در شخصیت‌های مقدس دوازده امام است که آخرین آنها در سنین کودکی در سال ۸۷۴ میلادی با غایب شدن خود تلاش قدرتهای اهریمنی را که بنا بود ساختن ثروت معنوی امامت در روی کره زمین کمر بسته بودند نقش بر آب ساخت. معروف است که امام دوازدهم در آخر الزمان بمنظور بر قراری حکومت نور مطلق و احیاء زمین و آسمان ظهور خواهد کرد. هر چند ما اکنون در زمان غیبت کبرای امام زیست میکنیم، لیکن امام غائب سرور پنهان و حاضر زمان ماست و امروزه کلیه شیعیان ایران روی دل بسوی او و صورت نورانی او دوخته دارند و از صمیم قلب او را دوست می‌دارند و پا و متوجه هستند.

از همان آغاز غیبت امام عصر، یعنی طی قرون نهم و دهم میلادی، تفکر شیعه سنن و اصول عقاید خود را طرح ریزی می‌نمود و بین خادمان حکمت الهی شیعه و پایه گذاران مشرب مزبور شخصیت‌های بزرگ ایرانی مانند کلینی، ابن بابویه، ابو جعفر طوسی را باید نام برد.

این امر اتفاقی نیست و دلیل ندارد که ما حق مجاهدان ایرانی و پاس زحمات ایشان را در اینکار محفوظ نداریم. زیرا آلام و مصائبی که در آغاز کار متوجه فدائیان شیعه شده است، بسیار سخت بوده و قابل انکار نیست. تنها پس از مدت مدیدی یعنی در اوایل قرن ۱۶ میلادی با سستی سلسله صفویه توانستند از تعقیب و شکنجه دشمنان و بدخواهان رهائی یافته از نعمت مصونیت برخوردار شوند.

و اما در باب عدد دوازده باید متذکر شد که این عدد مقدس نیز نتیجه حوادث و تجربه زمان نیست بلکه عددیست ممتاز و صورت نوعیه اعداد کامل را معرفی می‌کند. عدد هفت نیز بنوبه خود بهمین جهت ممتاز و وجه امتیاز شیعه اسماعیلیه از شیعه امامیه می‌باشد.

اعداد مزبور در عین حال مبین ناموس خلقت و مشی موزون شعور مخصوص دینی میباشند. بهمین دلیل دوشعبه معتبر شیعه را اثنی عشری و هفت امامی می‌نامند. شعبه اخیر یعنی شیعه هفت امامی فرقه اسماعیلیه است که جنبه باطنی کلام الله و تأویل را بیش از شیعه امامیه مورد توجه قرار میدهد. این فرقه معرف جنبه عرفانی در اسلام است و برخلاف آنچه مشهور میباشد بهیچوجه اختراع و ابداع حسن صباح نیست و باز باید توجه کرد که تجدید حیات فرقه اسماعیلیه بدست و قدرت حسن صباح

و استقرار مرکز ستاد آن در قلعه الموت بغلط و از روی غرض بعنوان یک دسنة ماجراجو و فرقه آدم کشان معرفی شده است و غلط فاحش تاریخی است که در مغرب زمین طی قرون شایع گردیده. اطلاعات دقیق و قابل اطمینانی که ما امروز از ماهیت تلاش و قیام حسن صباح در دست داریم، باید اذهان را بیدار نماید تا بنحو لایشر از روی تعبد شریک جرم تبلیغات عباسیان نگردند و فرقه اسماعیلیه را که تا امروز پاینده مانده است از این بی حرمتی مصون دارند.

فرقه اسماعیلیه نام و شهرت خود را مدیون امام جوانمرد خود اسماعیل فرزند ارشد امام ششم، امام جعفر صادق میباشد که در حدود ۷۶ میلادی در آغاز جوانی دارفانی را بدرود گفته است، ولی بواسطه نفوذ معنوی امام جوان حکمت الهی پر مغز و پر معنائی در بین پیروان خاص او بوجود آمد. عده ای از خاصان اسماعیل با فرق غیر مسلمان با گنوستیک های بردسانی، مانوی ها و مسیحیان نسطوری مر او ده فکری و فلسفی داشتند. بدون شک در بین مؤمن ترین و مشتعل ترین حواریون اسماعیل نهضتی بوجود آمده که هسته مرکزی اسماعیلیه را تشکیل میدهد. سپس دوران تاریک و خاموشی بوقوع پیوست تا بخلافت رسیدن سلسله فاطمیه در قاهره (۹۰۹ میلادی) و غفلة مشاهده می شود که در این اوان آثار فلسفی متعددی بظهور میرسد. آثار مزبور طی قرون متمادی در کتابخانه های اسماعیلی مخفی و دور از اغیار نگاهداری می شده است. اکنون چند سال بیش نیست که مطالعه برخی از آن نوشتهجات برای ما میسر گردیده و باز اینجا باید یاد آور شویم که شخصیت هائی هم طراز ابن سینا، قادر بتالیف آثار بکر و اعجاب آمیز طی قرون دهم و یازدهم میلادی در ایران ظهور کرده اند مانند ابو یعقوب سجستانی، مؤید شیرازی، حکیم ناصر خسرو و حمید الدین کرمانی. بعد از افتراقی که دنباله مرگ امام المنتصر بالله (۱۰۹۴ میلادی) اتفاق افتاد، نوعی مذهب اسماعیلی بالاستقلال تحت لوای حسن صباح در قلعه الموت احیاء گردید که مرکز ثقل تفکر آنرا توجه به اصل رستاخیز و نجات روح فردی تلقی میتوان کرد. طوفان مغول طومار سازمان های فرماندهی اسماعیلیه الموت را در (۱۲۵۶ میلادی) درهم پیچید ولی نتوانست ریشه آنرا بالمره از خاک ایران بر کند. مذهب اسماعیلیه در لباس مذهب صوفیه در ایران ادامه حیات یافت و از آن پس از لحاظ اصول عقاید وایدئولوژی داد و ستد و آسبختگی قابل توجهی بین این دو مذهب صورت گرفت که

امروزه براهل تحقیق واضح و مبرهن است .

بدین ترتیب با توضیحات مختصری که معروض افتاد، بر ما کاملاً روشن میشود که معنی و مفهوم مذهب شیعه برای ایران از معنی و مفهوم آن بطور عام از تاریخ مذاهب قابل تجزیه و تفکیک نمی باشد و در اعماق خود آثار و علائم فکر و نبوغ ایرانی را در راه لایتناهی جستجوی حقیقت که بطور عام در شعور دینی طایفه انسانی مستتر است، محفوظ داشته و بیان کرده است . رابطه آنرا نیز از جهتی با مشرب عرفان (gnose) اشاره ذکر نمودیم . و همچنین ملاحظه میشود که مفهوم امام باجنبه مظهریت و تجلی با مفهوم پیغمبر حقیقی در مذهب یهود و مسیحی یعنی پیروان مسیحیت اولیه که در لوای یعقوب مقدس حواری در بیت المقدس ظهور کرد قابل مقایسه می باشد . مفهوم امام دوازدهم و ظهور او احیاء کننده فکر مذهبی زردشت در باب منجی و روح «سائوشیانت» می باشد و بالاخره گروه ۱۲ امام منسوب به پیغمبر از طریق حضرت فاطمه الزهراء گروه مقدس ۱۴ معصوم را تشکیل می دهد .

در گروه اخیر سیمای درخشان حضرت فاطمه احیاء کننده مقام قدس و طهارت حضرت مریم است که مسیحیان در شعور دینی خود بمقام و سرتبت حقیقی آن توجه نکرده اند .

بدینسان ملاحظه می کنیم که مذهب شیعه علی رشم تعبیر و تفسیر کوتاه نظران مذهبی نیست که تنها جا کمیت امام را جانشین اصل دسو کراتیک سنت و جماعت در جامعه اسلامی کرده باشد، بلکه برعکس ایمان و اعتقاد به امام غایب جنبه قدس و اعتبار معنوی خاصی بمذهب شیعه میدهد . بدین معنی که هر فرد شیعه مؤمن با حضور قلب خود را همراه و هم عنان امام و پیشوای حی طریقت معنوی خود احساس و ادراک می کند و این معنی را فلاسفه بنحو دیگر و به عبارت دیگر در مفهوم (همزاد ربانی و آسمانی) (Alter ego) که همواره با هر فرد بشر زندگی می کند و هیچگاه از او جدا نمی شود اعتبار بخشیده اند .